

ناگفته‌هایی از آخرین نماز جمعه هاشمی.

مسئول سابق ستاد نماز جمعه تهران، ناگفته‌هایی از آخرین نماز جمعه اقامه‌شده به امامت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را بیان کرد.

حجت‌الاسلام مسعود مرادی در سائیت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نوشت: «پس از ترور مقام معظم رهبری که در آن زمان نماینده حضرت امام (ره) در شورای عالی دفاع و امام جمعه تهران بودند،

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی اولین نماز جمعه خود را در تاریخ 12/4/1360 اقامه کردند. ناگفته‌ها ماند که از زمان مرحوم آیت‌الله طالقانی تاکنون تهران سه امام جمعه ثابت و 11 امام جمعه موقت را به خود دیده است که در حال حاضر تهران پنج امام جمعه موقت دارد.

با وجود پیگیری مکرر و مذاکرات و حتی با انتقاد شخصیت‌ها و مسئولان کشور و حتی ائمه جمعه موقت روبه‌رو بودیم که چرا به مصلی نمی‌رویم، با توجه به گرما ضرورت دارد. قریب به 25 سال از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد و بایستی نماز جمعه به مصلی منتقل شود. معمولاً شهر را به چه چیز می‌شناسند؟ به مصلی و فرودگاه و برج که ان‌شاءالله امیدواریم که هرچه سریع‌تر اقدام عاجل به عمل آید و نماز جمعه در جایگاه اصلی خود اقامه شود.

پس از انتخابات ریاست‌جمهوری اسلامی دهم بود که کشور و حتی نماز جمعه تحت تاثیر این واقعه قرار گرفته بود. پس از اعلام نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری، افراد مختلف و گروهایی در صدد حذف هاشمی رفسنجانی برآمدند. این افراد یا به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه و استفاده از هر تریبونی به این موضوع دامن می‌زدند. اولین موضوع هم بحث امام جمعه‌ای ایشان بود. بعضی از افراد با تحریکات فراوان، فشارهای مختلف می‌آوردند که نماز جمعه‌ای را که به امامت ایشان برگزار می‌شود ناتمام بگذارند. آنقدر فضای اجتماع را مسموم کردند که خود آیت‌الله هاشمی رفسنجانی یک نوبت در نماز جمعه غیبت کردند. تا اینکه در نوبت بعدی که همان روز 26 تیر بود با تدبیر مقام معظم رهبری، ایشان پس از غیبت در نماز جمعه قبلی به نماز آمدند.

با هماهنگی به عمل آمده، این نماز جمعه با شیوه هرچه بهتر برگزار شد اما از آنجا که درگیری‌ها در اطراف دانشگاه به صورت پراکنده بین گروه‌ها به وجود آمده بود، اوضاع رفته‌رفته بدتر می‌شد. گاز اشک‌آور شلیک می‌شد تا آنجا که دود این گاز به سمت جایگاه تریبون نماز آمد. دیگر قدرت نفس کشیدن نداشتیم. آقای هاشمی هم به سختی نفس می‌کشید و اشک از چشمانش می‌آمد. ما پشت سر آقای هاشمی ایستاده بودیم. آقای هاشمی می‌خواست هر طور شده حرفش را بزند. دستمالی را خیس کردیم و در اختیارش قرار دادیم تا ایشان بتوانند به سخنرانی خود ادامه دهند.

وقتی قبل از دو نماز ایشان را می‌دیدم، بسیار آرام و با طمأنینه بودند. با تبسم به سمت تریبون رفتند. می‌خواستند حتما حرفشان به مردم برسد. درگیری‌ها که شدت گرفت، نگران مردم بودند. ایشان بیشتر نگران مردم و جوانان بود که برای آنها اتفاق خاصی نیفتد. با توجه به شرایط نامناسب، یک گروه خیلی سعی داشتند ساحت نماز، امام جمعه و مردم را بشکنند و توهین کنند و آنها را مورد انیت و آزار قرار دهند. انگار اصلاً قرار نبود با این عده برخورد شود.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی یکی از شخصیت‌های برجسته و از ستون‌های اصلی و شناسنامه‌دار انقلاب اسلامی است. ایشان از کسانی بود که با حضرت امام ارتباط مستمر داشت و علمای کشور و فرهیختگان حاکم را برای مبارزه با نظام ستم‌شاهی سازماندهی می‌کردند، آن زمانی که بسیاری از

افرادی که در حال حاضر ادعای انقلابی بودن می کنند مبارزه را قبول نداشتند، چندصباحی مبارزه کردند و عقب نشینی کردند، اما ایشان نقش موثری را ایفا می کرد و در تکوین و پیدایش انقلاب نقش به سزایی داشت. متأسفانه در سال های اخیر گروه ها و افرادی که در انقلاب نقش نداشتند یا به زندان نرفتند یا در مسئولیت های کلیدی کشور مسئولیتی را نپذیرفتند یا افراد ناآگاه و احساسی کینه توز که از ایشان زخم های فراوان دیدند برای اینکه این مرد شجاع و غیرتمند را از چشم های مردم بیندازند و او را در بین مردم هتک حرمت کنند و آبرویش را از بین ببرند، از هیچ کاری فروگذار نبودند. با جوی های نامناسب و انگ زدن ها و شعارهای واهی و با انواع توطئه ها و سخنان، شخصیت ایشان را ترور می کنند و می خواهند از او انتقام بگیرند.

همین چند روز قبل، از ایشان برای اقامه نمازجمعه سوال کردم. ایشان با قاطعیت گفتند هرگز به نمازجمعه بازنمی گردم و این پاسخ را به خیلی از دوستان دیگر و علما و فرهیختگان و نخبگان و مردم که از ایشان درخواست داشتند، گفتند. آیت الله هاشمی اعتقاد داشته و دارند که من اگر بیایم و نمازجمعه بخوانم باید خیلی چیزها را بگویم. اگر بخواهم خیلی از مسائل را بگویم ممکن است وضعیت به هم بخورد. اگر هم نگویم این نگفتن باعث ساقط شدن عدالتم خواهد شد.

البته این نظر ایشان است و نظرشان بسیار محترم است اما آقای هاشمی مربوط به خودشان نیستند، مربوط به جامعه اسلامی و همه مردم و نظام هستند. جامعه که نباید از نظرات ایشان محروم شود. بزرگان جامعه، مسئولان عالی رتبه، مراجع تقلید و ... همه باید از ایشان بخواهند و این بار مسئولیت و تکلیف را بر عهده وی بگذارند تا جامعه بیش از این در محرومیت سخنان ایشان نباشد. به یقین اگر به این سمت پیش برویم، برای ایشان چاره ای نیست که بپذیرد و ان شاء الله این گونه شود.»